



واحد مشهد

جزوه تغییرات فرسنگی

استاد ارجمند:

جناب آقای برات نژاد

گردآوری:

فرهاد حیدری

زمستان ۱۳۹۰

نظریه دارندورف درباره تغییرات اجتماعی :

توزیع در اثر توزیع نامناسب اقتدار میان گروه های اجتماعی تضاد ایجاد شده که این تضاد منجر به تغییر اجتماعی می گردد .

تفاوت و تمایز قدرت و اقتدار : او معتقد است که قدرت مربوط به خود شخص است مثل قدرت بدنی ، قدرت بیان و نفوذ کلام ، اما اقتدار یعنی موقعیت یا نقشی که سبب اطاعت دیگران می شود (اقتدار مربوط به خود فرد نیست بلکه مربوط به موقعیت ها است) مانند شاه ، رئیس جمهور ، فرماندار ، فرمانده نظامی و ...

درخصوص تفاوت قدرت و اقتدار : اگر فرد یا گروهی در یک بخش از جامعه دارای اقتدار و در جای دیگر فاقد اقتدار باشد به معنای پراکندگی و تضاد است اما اگر کسانی در همه بخش های جامعه دارای اقتدار باشند و کسان دیگری در هیچ بخشی اقتدار نداشته باشند در این صورت جامعه با انباشت تضاد مواجه است و این وضعیت است که سبب تغییرات بنیادین می شود .

عوامل کاهش یا افزایش تضاد :

۱. امکان سازماندهی گروه های جامعه مدنی : جامعه مدنی یعنی گروه ها و سازمان ها و احزاب یا سندیکاها ، اتحادیه ها ، ان جی یو ها و ... که حد وسط میان حکومت و مردم قرار می گیرند . جامعه ای که چنین گروه های واسطی را نداشته باشند و حکومت مستقیماً با توده های مردم در ارتباط باشد را جامعه توده وار می نامند . (انقلاب ها در جامعه توده وار صورت می گیرد ، هرچه امکان سازماندهی بیشتر باشد شدت تضاد کاهش پیدا می کند)

۲. اگر ساخت های اجتماعی امکان تحرک را فراهم کند از شدت تضاد کاسته می شود

کارگزاران تغییر اجتماعی : نخبگان ، جنبش های اجتماعی ، گروه های فشار

۱. نخبگان :

بررسی نظریه پارتو :

تعریف نخبگان : کسانی که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قاطعیت های عالی در زمینه کار خود و یا برخی فعالیت ها باشند به عبارت دیگر کسانی که نسبت متوسط افراد جامعه برتری دارند نخبه هستند .

انواع نخبگان عبارتند از :

نخبگان مذهبی یا سنتی ، نخبگان عقلانی - قانونی ، نخبگان مالکیت ، نخبگان کاریزما یا خارق العاده ، نخبگان ایدئولوژیک و نخبه سمبولیک

الف - **نخبگان مذهبی یا سنتی** : کسانی که نفوذ آنها ریشه در باورها و عقاید مردم یا آداب و رسوم سنتی جامعه دارند . (نخبگان از طریق نفوذ ایجاد تغییر می کنند) مانند رهبران دینی ، پهلوانان ، عیاران ، جوانمردان و ...

ب - **نخبگان عقلانی - قانونی** : کسانی که منتصب به ساختارهای رسمی یا اداری هستند و براساس برخی قوانین و مقررات و نیز صلاحیت هایی که دارند موقعیت هایی را ابراز می دارند مانند رئیس جمهور ، وزرا و ...

ج - **نخبگان مالکیت** : کسانی که نفوذ آنها ناشی از ثروت یا مالی است که در اختیار دارند و از طریق آن می توانند سایر نخبگان را به ویژه نخبگان قدرت را تحت فشار قرار دهند .

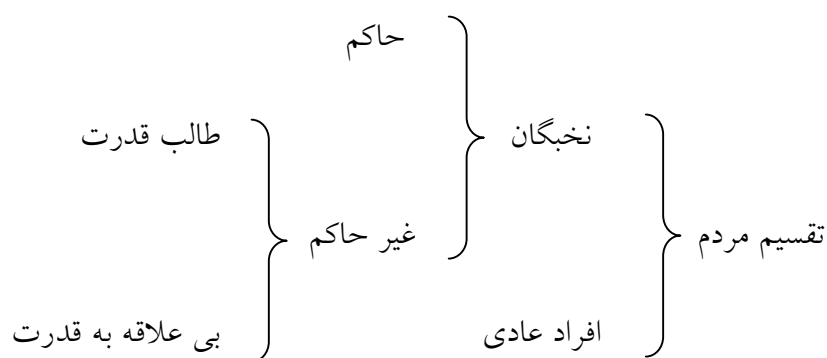
د - **نخبگان کاریزما یا خارق العاده** : افرادی که دارای ویژگی های منحصر به فرد غیر قابل تعریف باشند به عبارت دیگر کسانی که خودشان پشوانه خودشان باشند مانند امام خمینی ، در دوران مدرنیته که رهبران عقلانی - قانونی هستند نخبگان کاریزما ظهور نمی کنند . رهبر کاریزما مربوط به دوران انقلاب است و وقتی شرایط تثبیت به وجود می آید کاریزمایی از بین می رود .

ه - **نخبگان ایدئولوژیک** : کسانی هستند که در اطراف یک ایدئولوژی خاص جمع می شوند یعنی افراد ایجاد کننده یا اشاعه دهنده ایدئولوژی مانند امام خمینی و دکتر شریعتی

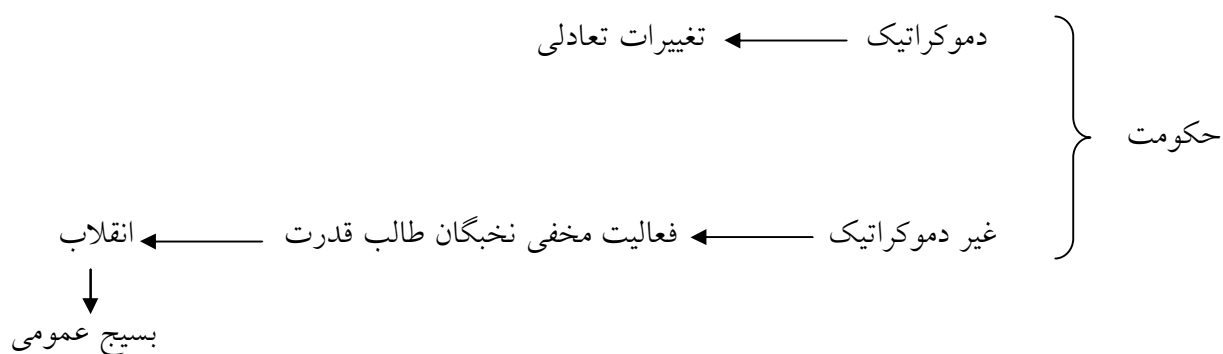
و - **نخبه سمبولیک** : نمونه های اصیل برخی زفتارها ، کردارها و یا افکار خاص مثل هنرمندان ، خوانندگان ، شاعران و ورزشکاران و مانند آنها (آهنگران ، آغاسی و رودکی)

چگونه نخبگان دچار تغییر می شوند .

نظریه پارتو درباره گردش نخبگان : وی معتقد است در وقوع انقلاب ها و جنبش های نرم نخبگان نقش دارند او ابتدا مردم را به دو دسته نخبگان و افراد عادی (غیر نخبه) تقسیم کرده و سپس نخبگان را به دو دسته نخبگان حاکم و نخبگان غیر حاکم تقسیم می کند . او نخبگان غیر حاکم را به دو دسته طالب قدرت و بی علاقه به قدرت تقسیم می نماید .



وی معتقد است که حکومت هم بر ۲ نوع است یا دموکراتیک است و یا غیر دموکراتیک . براساس تعریف او حکومت دموکراتیک حکومتی است که در آن امکان جابه جایی قدرت یا گردش نخبگان به صورت مسالمت آمیز وجود دارد (نمونه مسالمت آمیز برگزاری انتخابات است) حکومت غیر دموکراتیک حکومتی است که در آن امکان جابه جایی نخبگان به صورت مسالمت آمیز وجود ندارد (مانند حکومت های پادشاهی) بر اساس این نظریه در حکومت های دموکراتیک تغییرات تعادلی می افتد (حزبی که عوض می شود و نخبگانی که تغییر می کنند در چارچوب نظام حاکم بوده و میزانی از تغییر در آن وجود دارد) در جوامع غیر دموکراتیک طالبان قدرت احزاب مخفی تشکیل داده و گروه های زیرزمینی مخفی ایجاد نموده با هم ارتباط شبکه ای پیدا کرده سپس در موقعیت مناسب بسیج عمومی مردم و انقلاب را در پی دارد .



۲. جنبش های اجتماعی :

تعریف : جنبش اجتماعی یعنی سازمانی جمعی که به منظور دفاع یا دستیابی به اهدافی خاص تشکیل می شود .

ویژگی های جنبش اجتماعی :

۱. شکل گیری حول محور یک یا چند شکاف اجتماعی :

شکاف اجتماعی یا تضاد اجتماعی که در اکثر جوامع به صورت مخفی (غیر فعال) یا آشکار (فعال) وجود دارد مانند شکاف جنسیتی ، شکاف نسلی ، شکاف قومی ، شکاف مذهبی ، شکاف صنفی و یکی از شکاف های موجود در زمان حاضر شکاف سنت و مدرنیته است .

۲. شکل گیری آموزه ها ، ایده ها و شعارهای مشترک که می توان آن را گفتمان یا ایدئولوژی نامید .

۳. شکل گیری هویت مشترک : یعنی معرفی کردن خود و مخالفین خود

تغییرات اساسی (ساختاری)

اهداف جنبش ها

تغییرات جزئی

منظور از تغییرات اساسی یعنی تغییرات ساختاری یعنی تغییر کلیت نظام سیاسی ولی تغییرات جزئی یعنی تغییر در برخی از قوانین و مقررات (اساسی ماند جنبش انقلاب ایران و جزئی مانند جنبش تنباکو)

جنبش تاریخی ایران که عموم آن در طی ۲۰۰ سال اخیر رخ داده اند عبارتند از :

جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت (جزئی) جنبش انقلاب اسلامی و جنبش صنعت ملی نفت (اساسی) که همگی جنبش های فراگیر بوده اند .

جنبش جنگل ، جنبش شیخ محمد خیابانی ، جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان و دلیران تنگستان از جنبش های منطقه ای هستند .

روش های مواجهه حکومت ها با جنبش ها :

۱. پاسخ به مطالبات جنبش ها

۲. سرکوب جنبش ها

۳. مهار جنبش ها

در صورت پاسخ به مطالبات جنبش پتانسیل بی ثباتی سیاسی از جامعه گرفته می شود و پویایی و نشاط به جای آن قرار می گیرد اما سرکوب جنبش ها باعث رادیکال تر شدن آنها می شود و مهار جنبش تنها می تواند آن را به تاخیر اندازد .

۳. سومین کارگزار تغییر گروه های فشار هستند .

گروه های فشار یعنی کسانی که طالب تاثیرگذاری بر قدرت هستند نه کسب قدرت .

انواع گروه فشار عبارتند از : شغلی یا صنفی مانند معلمان ، ایدئولوژی مانند گروه انصار حزب ا... ، ضد مذهبی مانند طرفداران یک حزب خاص ، مذهبی مانند گروه القاعده و ...

شرایط تاثیرگذاری گروه های فشار عبارتند از :

تعداد اعضا - قدرت مالی - قدرت سازماندهی - پایگاه اجتماعی

شیوه های عمل گروه های فشار عبارتند از :

متقاعد سازی - تهدید کردن - امتناع از همکاری (نافرمانی مدنی) - اقدام مستقیم و توسل به خشونت

موانع تغییر عبارتند از :

الف - موانع اجتماعی

۱. طبقات اجتماعی (جوامع دارای طبقات بسته)

۲. همبستگی اجتماعی (همبستگی های قومی ، مذهبی و امثال آن) در جوامع مدرن همبستگی های اجتماعی

از جنس همبستگی های قانونی است .

ب - موانع فرهنگی

۱. تقدیرگرایی : تقدیرگرایی یعنی باور به اینکه سرنوشت انسان ها از ازل مشخص شده است .

۲. مقاومت دینی یا ایدئولوژیک

۳. قوم مداری : احساس برتری فرهنگی نسبت به همه فرهنگ های دیگر

۴. خرافات و موهومات : افکاری که ریشه در حقایق ندارند مثل باور به سحر ، جادو ، تلمس و دعانویسی

ج - موانع روانشناختی (موانع روانی)

۱. احساس ترس

۲. عادات جمعی

۳. سوگیری ها : سوگیری یعنی قضاوت پیشین نسبت به یک موضوع

د - موانع اقتصادی

۱. محدودیت منابع

۲. فقدان امنیت اقتصادی